

« نظریه مقاصد شریعت و تاثیر آن در فقه »

محمدحسین وکیلی مقدم*

استادیار گروه حقوق خصوصی دانشگاه حضرت معصومه (س)

چکیده

از میان رویکردهایی که برای تفسیر متون فقهی و تحلیل احکام آن مطرح شده است نظریه مقاصد شریعت (یا مقاصد شرعی) دارای جایگاه ویژه‌ای است. این دیدگاه بر دو مقدمه اساسی استوار است که عبارتند از هدفمند و غایت‌دار بودن احکام فقهی و توانایی انسان در درک و کشف این مقاصد. بر این اساس پیروان نظریه مقاصد در استنباط احکام و تحلیل ادله، به ظواهر نصوص اکتفا نکرده و مفاد آنها را بر اساس غایات مورد پذیرش شارع تحلیل می‌کنند.

سابقه طرح این نظریه در حقوق اسلام بسیار طولانی است و مباحث مختلفی در ارزیابی و نقد آن مطرح شده است. در این مقاله ضمن تحلیل مبانی نظریه مقاصد و آثار عملی آن اصلی‌ترین انتقادات وارد به آن نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: تعلیل حکم، سد ذرائع، مصلحت، حکمت، تفسیر غایی.

!!

نظام حقوقی اسلام دارای ساختاری متن‌محور است یعنی اغلب آموزه‌ها و گزاره‌های رفتاری آن در قالب متون درآمده و در عین حال مهمترین منابع استنباط احکام و تحلیل موضوعات یعنی قرآن، و احادیث نبوی و ائمه معصومین (از دیدگاه امامیه) دارای قالبی مکتوب است. با گذشت زمان و ختم نبوت و حدوث موضوعات جدید، نظریات و مکاتب فکری مختلفی درباره چگونگی مواجهه با مستحدثات و تحلیل گزاره‌های فقهی مطرح شده که از مهمترین و تاثیر گذارترین آن‌ها «نظریه مقاصد شریعت» است. این نظر که می‌توان آن را معادل تفسیر غایی^۱ در حقوق دانست با تبیین غایت و مقصد شارع، اقدام به رفع مشکلات و ابهامات می‌کند. البته این نگرش تنها به تفسیر و رفع اجمال از متون محدود نمانده و در مقام استنباط احکام جدید نیز به کار می‌رود.^۲

علی‌رغم گسترش فراوان مباحث مرتبط به این دیدگاه در مذاهب اربعه، در فقه امامیه این دیدگاه چندان مجال بروز نیافته است. بر این اساس ضروری است با بررسی مفاهیم و مبانی نظریه مقاصد و کاربردهای آن در فرآیند اجتهاد فقهی، علل عدم پذیرش و گسترش آن از سوی فقهای امامیه نیز بررسی شود.

۱. تعریف نظریه مقاصد و مقایسه آن با مفاهیم مشابه: چنانکه تا حدودی از نام این نظریه برمی‌آید، نظریه مقاصد شریعت بر پایه پذیرش هدف دار بودن احکام شرعی است. در تعریف مقاصد شارع نظرات مختلفی ارائه شده است؛ برخی منظور از آن را معانی و حکمت‌های مورد نظر شارع در تمام احکام و یا بخش اعظمی از آن‌ها دانسته‌اند که مختص به نوع خاصی از احکام شرعی نیست. برخی دیگر از فقها نیز مقاصد را غایت یا اسراری قلمداد کرده‌اند که در وضع تمام احکام مورد نظر شارع بوده است. (بوسعادی، ۱۴۲۸: ۲۸؛ القحطانی، ۱۴۲۹: ۱۱؛ احمدیان، ۱۴۲۹: ۱۹) بنابراین می‌توان گفت نظریه مقاصد در اسلام رویکردی است که در آن فرآیند تحلیل احکام فقهی بر مبنای اهداف و غایات شارع صورت می‌پذیرد. این مقاصد در واقع مصالح دنیوی و اخروی انسان است (الخادمی، ۱۴۲۴ الف: ۲۹). در عین حال مفاهیمی در اصول فقه مطرح شده است که تحلیل صحیح معنای آن‌ها در شناخت بهتر نظریه مقاصد موثر است. این مفاهیم مشابه عبارتند از:

^۱ - Purposive Interpretation

^۲ - در حقوق غرب این رویکرد بر مبنای بازنگری در شکل‌گرایی حقوقی و به عنوان کنش عقلانی معطوف به هدف مورد بررسی قرار گرفته است. (قاسمی، ۱۳۸۸: ۳۳۰)

۱-۱) علت و حکمت: علت در اصطلاح فقهی وصف یا موضوعی ظاهری و منضبط است که حکم بر آن بار می‌شود. مانند سفر که علت شکسته شدن نماز است. این وصف، ظاهری است یعنی مخفی نیست و در حکم شرعی صراحتاً به آن اشاره شده است. در عین حال منضبط است یعنی تعیین گستره و حدود و ثغور مفهومی آن نیز با ابهامی مواجه نیست. بر همین اساس در مثال پیش‌گفته معیار سفر و شرایط آن برای تحقق حکم شکسته شدن نماز کاملاً بیان شده است.

اما حکمت، مصلحت مورد نظر در تشریح حکم است که شامل جلب نفع یا دفع زیان و رفع حرج می‌شود. بنابراین تفاوت حکم و علت در این است که اولاً علت وصفی است که برای جلب منفعت یا دفع مفسده، حکم بر مبنای آن تشریح شده در حالی که حکمت نفس مصلحت مطلوب یا دفع مفسده‌ای است که بر تشریح حکم مترتب می‌شود. در نتیجه علت امری است که قبل از تطبیق حکم وجود دارد در حالی که حکمت اثر و ثمره مترتب بر حکم مورد نظر است. مثلاً علت تحریم خمر سکر آور بودن آن است اما حکمت آن حفظ عقل است. ثانیاً چنانکه اشاره شد علت وصفی ظاهری است که در تحقق آن ابهامی نیست اما حکمت در احکام صراحتاً مورد اشاره قرار نمی‌گیرد بلکه کشف آن نیازمند استنباط و تحلیل است. (الخادمی، ۱۴۲۴ (ب): ۶۹)

با توجه به تعریف فوق می‌توان گفت حکمت مترادف با مقصد است. یعنی اگر گفته می‌شود حکمت تحریم زنا حفظ نسب است یعنی مقصد شارع از تحریم زنا حفظ نسب بوده است. اما رابطه علت با مقصد شارع پیچیده‌تر است و می‌توان آن را به دو نوع تحصیلی و تعطیلی تقسیم نمود؛ گاه علت حکم موجب تحصیل یا تحقق مقصدی از مقاصد شرعی می‌شود مانند سفر که به عنوان علت حکم شکسته شدن نماز یا برداشته شدن وجوب روزه، مقصد یا غایت عدم حرج یا مشقت را محقق می‌کند. اما گاهی علت حکم، تعطیلی مقصدی خاص را در پی خواهد داشت. مانند سکر آور بودن خمر که علت تحریم آن بوده و مانع تحقق حفظ عقل می‌شود. بنابراین علت بر خلاف حکمت، فی‌نفسه از مصادیق مقاصد شارع قلمداد نمی‌شود. (احمیدان، ۱۳۴۲:۲۳؛ الخادمی، ۱۴۲۴ (ب): ۷۱). برخی معتقدند در علم اصول و فقه علت به سه مورد زیر اطلاق می‌شود:

۱) نفع و ضرر مترتب بر افعال؛

۲) مصلحت یا دفع مفسده حاصل از تشریح یک حکم مانند مصلحت حفظ نفس که مترتب بر حکم قصاص است؛

۳) وصف یا موضوعی واضح یا ثابت که برای تامین مصلحت عباد در تشریح احکام مدنظر قرار می‌گیرد. مانند ایجاب و قبول لفظی در عقد نکاح که علت حلیت مترتب بر نکاح است. (بوسعدی، ۱۴۲۸: ۳۱)

با اذعان به اختلاف نظر در تعریف علت و حکمت به نظر می‌رسد تعریف اخیر الذکر، تعریف موسع از علت است در حالی که برای تعیین گستره دقیق علت و تمییز آن از حکمت باید به تعریف اخص آن پرداخت. بنابراین تعریف اخیر چندان مورد پذیرش نیست زیرا خلط مفاهیم فوق را در پی خواهد داشت. بر اساس اصطلاحات فوق می‌توان گفت، برخی از این اصطلاحات را می‌توان دارای ارتباط معنایی با نظریه مقاصد الشریعه دانست. به عنوان مثال پذیرش مفهوم حکمت به معنی اعتقاد داشتن به هدف‌دار بودن احکام است.

۲-۱) مصلحت: از دیگر واژگان رایج در فقه، مصلحت است. مصلحت عبارت است از جلب منفعت و دفع زیان که مبتنی بر در نظر گرفتن منافع حقیقی انسان است. به همین علت مصلحت نیز از واژگان مترادف مقاصد شارع است و در برخی از متون از مقاصد شارع به مصالح الشریعه نیز تعبیر شده است. (الماحی، ۱۴۲۷: ۱۲۴؛ القحطانی، ۱۴۲۹: ۱۱؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸: ۳۵۶)

۲) مبانی تحلیلی نظریه مقاصد

از مهمترین مباحث چالش برانگیز که در مورد نظریه مقاصد بیان شده مبانی تحلیل آن است که از سوی پیروان این نظریه مطرح گردیده است. مهمترین مبانی این نظریه عبارتند از:

۲-۱) معلل بودن احکام شرع در علم کلام: اولین مبنای نظریه مقاصد اتکا به هدف‌دار بودن شرع است. بر این اساس و مبتنی بر مسلمات علم کلام هدف خداوند از نزول وحی و ایجاد ادیان تامین مصالح دنیوی و اخروی انسان است. عدم پذیرش این مطلب به معنی حکیم ندانستن خداوند است زیرا در این صورت هدف خاصی برای ایجاد شرع در نظر نبوده در حالی که حکمت الهی عبث بودن افعال و دستورات صادره از جانب او را غیر ممکن می‌سازد. (غزالی، ۱۳۲۲: ۳۷)

در عین حال وصف رحمت الهی نیز از دیگر اوصافی است که هدف‌دار بودن احکام شرع و مبتنی بودن آن‌ها بر حکمت را تایید می‌کند. چراکه رحمت واسعه الهی مقتضی است هم در مقام آفرینش انسان و هم در مقام تدوین برنامه جامع زندگی او مصالح و منافعش تامین گردد. به دیگر سخن، بر اساس مبانی کلامی نمی‌توان پذیرفت که احکام شرع با مصالح و منافع انسان تنافی داشته باشد. (شاطبی، ۱۴۲۷: ۴؛ علامه حلی، ۱۴۱۳: ۳۰۳؛ حب الله، ۱۴۲۶: ۷۳؛ الماحی، ۱۴۲۷: ۱۸) بنابراین قبیح بودن و غیر معلل بودن احکام دین محال است. (شهید اول، ۱۴۰۰: ۳۳ و ۲۱۸)

۲-۲) استقرا در کتاب و سنت: در موارد متعددی در آیات قرآن و احادیث نبوی به معلل بودن احکام شرعی و مراعات مصالح آدمی اشاره شده است. در این باره نصوص به دو دسته نصوص عام و خاص تقسیم می‌شوند؛ در نصوص عام به شکل کلی به معلل بودن احکام و عبث نبودن آن‌ها اشاره شده و مصالح کلی شرع تبیین شده است. مانند آیه ۷ سوره هود، آیه ۹۰ سوره نحل، آیه ۱۰۷ سوره انبیاء، آیه ۱۸۵ سوره بقره، آیه ۱۳۰ سوره جاثیه و آیه ۲۰ سوره لقمان و یا حدیث لاضرر. (الخادمی، ۱۴۲۴ (ب): ۳۶) اما در نصوص خاص یا جزئی صراحتاً علت احکامی خاص مورد اشاره قرار گرفته است مانند آیه ۱۸۳ بقره در مورد روزه یا احادیثی درباره زکات که هدف آن را مبارزه با حب مال عنوان می‌کند. (احمیدان، ۱۴۲۹: ۳۱). بنابراین عدم پذیرش نظریه مقاصد الشریعه به معنی نادیده گرفتن موارد متعددی از احادیث و آیات قرآن است؛

۲-۳) ادله و توجیهات عقلانی: پیروان نظریه مقاصد برای اثبات دیدگاه خود از ادله عقلانی نیز بهره گرفته‌اند؛ در این راستا بیان شده است که اولاً نصوص شرعی متناهی و محدود بوده در حالی که حوادث و موضوعات مستحدث نامحدود است. از نظر عقلی ممکن نیست بتوان از منبعی محدود احکام و ضوابط مربوط به امور نامحدود را استنباط کرد. در نتیجه چاره‌ای جز کشف مناط و علل احکام نیست. ثانیاً مقتضی بقا و دوام شرع در زمان‌های مختلف مراعات مصالح و منافع آدمی است چراکه استمرار استفاده از دین از سوی انسان و مراجعه به آن به عنوان منبعی لایزال تنها در صورتی امکان پذیر است که انسان به منافع حقیقی و مصالح واقعی خود برسد و الا اجرای احکام شرعی تعطیل شده و اقبالی نسبت به دین نشان داده نخواهد شد. (بوسعادی، ۱۴۲۸: ۲۰۵) ثالثاً چنانکه در تحلیل مبانی کلامی بیان شد خداوند انسان را تکریم کرده و در راستای تامین منافع او استفاده از طبیعت را به تسخیر او درآورده است (آیه ۱۳۰ جاثیه و ۲۰ لقمان) مبتنی بر قیاس اولویت باید گفت ممکن نیست خداوند در امور مادی و رفاهی چنین شایستگی برای انسان قائل شود اما در احکام شرعی که برای حفظ و صیانت از مال و جان و دین انسان است به مصالح او توجه نکند. بنابراین نظریه مقاصد الشریعه از نظر عقلانی نیز دارای توجیه است. (الخادمی، ۱۴۲۴ (ب): ۵۹)

لازم به ذکر است در پذیرش هدف‌دار بودن احکام شرعی و مبتنی بودن آن بر مصالح انسان بین مذاهب خمس اختلافی نیست. بنابراین می‌توان گفت از این نظر بین تمام فقها و اصولیین و بلکه بین تمام دینداران اتفاق نظر وجود دارد. (احمیدان، ۱۴۲۹: ۲۸؛ عوده، ۱۴۲۹: ۱۶؛ القحطانی، ۱۴۲۹: ۲۰۰۸؛ الخادمی، ۱۴۲۷: ۱۳؛ غزالی، ۱۳۸۶ (ش): ۴۴۹؛ المرتضی، ۱۴۰۵: ۴۴۲، محقق حلی، ۱۴۰۳: ۲۲۱؛ شهید اول، ۱۴۰۰: ۳۲۶؛ فاضل مقداد، ۱۴۰۲: ۵۲۷؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۶۸) اما اصلی‌ترین ایرادی که

مخالفین به این نظریه وارد می‌کنند عدم امکان کشف مقاصد شارع است. در واقع مخالفین نیز با پیروان قاعده مقاصد در هدف‌دار بودن دین و تأمین مصالح انسان با استفاده از آن همداستان اند اما چنانکه در آینده به تفصیل خواهد آمد بنا به علل و مبانی دیگری با آن مخالفت می‌کنند.

۴) تقسیم بندی انواع مقاصد شرعی: مقاصد شرعی از نقطه نظرات گوناگون تقسیم شده است. در این گفتار علاوه بر این که تقسیم بندی‌ها مورد اشاره قرار می‌گیرد آثار عملی آن نیز ذکر می‌شود.

۴-۱) تقسیم بر اساس میزان ضرورت: مهمترین تقسیم ذکر شده در مورد مقاصد، بر اساس میزان ضرورت و اهمیت آن‌ها است که طبق آن انواع مقاصد عبارتند از:

۴-۱-۱) مقاصد ضروریه: این مصالح یا مقاصد از بیشترین میزان اهمیت برخوردارند و مقوم حیات آدمی محسوب می‌شوند چراکه بدون آن‌ها نه حیات انسان در دنیا به سعادت حقیقی می‌رسد و نه در آخرت سعادت او محقق می‌گردد. به همین علت تمام ادیان الهی و آسمانی در حفظ و صیانت از این مصالح اهتمام ویژه ورزیده‌اند. در آراء و نظریات فقها و اصولیین مصادیق مقاصد ضروری به حفظ دین، نفس، عقل، نسل و مال تقسیم شده است که از آن با عنوان «ضروریات خمسه» یاد می‌شود. (بوسعادی، ۱۴۲۸: ۳۵؛ احمدیان، ۱۴۲۹: ۸۱؛ شاطبی، ۱۴۲۷ (ب): ۶؛ الخادمی، ۱۴۲۴ (الف): ۸۹؛ شهید اول، ۱۴۰۰: ۲۲۶) البته برخی از مولفین مصلحت حفظ آبرو یا کرامت انسانی را نیز از مصادیق مقاصد ضروری دانسته‌اند. (حب الله، ۱۴۲۶: ۷۸). در دیدگاه پیروان نظریه مقاصد بسیاری از احکام شرعی در راستای حفظ و صیانت از این مصالح وضع شده اند. مثلاً جهاد برای حفظ دین، حلیت خوردن و آشامیدن از مباحات و حکم قصاص برای حفظ نفس، تحریم مسکرات برای حفظ عقل، تشریح نکاح و تحریم روابط نامشروع برای حفظ نسل و نهایتاً تحریم سرقت و غصب برای حفظ مال ایجاد شده اند. (بوسعادی، ۱۴۲۸: ۳۶).

۴-۱-۲) مقاصد حاجیه (احتیاجی): این نوع مقاصد اگر چه مورد نیاز آدمی است اما احتیاج به آن‌ها در حد ضرورت نیست بلکه برای رفع سختی و مشقت است. به دیگر سخن مقاصد حاجیه مقاصدی است که عدم تحقق آن‌ها نظام حیات انسان را مختل نمی‌کند بلکه آن را با صعوبت و سختی مواجه می‌سازد (بوسعادی، ۱۴۲۸: ۳۷). به عنوان مثال در فقه اهل سنت برخی از فقها با اینکه معتقدند موضوع عقد اجاره تملیک منفعت معدوم است و به همین علت از نظر تحلیل حقوقی باید آن را باطل دانست با استناد به این نوع مقصد و جلوگیری از مشقت انسان حکم به اعتبار این عقد می‌دهند. همچنانکه در مورد مضاربه نیز همین تحلیل بیان شده است چراکه بواسطه مضبوط نبودن عمل انسان و عدم قطعیت تحقق سود حاصل از فعالیت مضارب، برخی حکم به بطلان آن از نظر حقوقی داده اند اما بر اساس رفع

مشقت و نیاز جامعه به این عقد آن را صحیح دانسته‌اند. (احمیدان، ۱۴۲۹: ۲۳۲) مقاصد حاجیه موجب کاهش تکلیف یا حذف آن‌ها نیز می‌شود که از سوی شارع به عنوان تخفیف بر مکلفین اعلام می‌گردد. به عنوان مثال شکسته شدن نماز به علت سفر و یا تاثیر بیماری در انجام تکالیف شرعی از مهمترین آثار عملی مقاصد شرعی احتیاجی قلمداد می‌شوند. (شاطبی، ۱۴۲۷(ب): ۸).

۳-۱-۴) تحسینیات: نوع سوم از مقاصد که بر اساس میزان اهمیت تقسیم شده است مقاصد کمالیه یا تحسینیات است. این مقاصد نه مبتنی بر نیاز ضروری و حیاتی انسان است و نه مشقت و صعوبت را از او دفع می‌کند بلکه صرفاً بر اساس حسن آداب و عادات شکل گرفته. یعنی آنچه مکارم اخلاقی و فضیلت‌های انسانی را شامل می‌شود. در معاملات، احکامی چون نهی از بیع نجاسات و پذیرش سکوت باکره در انعقاد نکاح از نمونه احکام مبتنی بر مقاصد تحسینییه تلقی شده‌اند. (شاطبی، ۱۴۲۷(ب): ۹؛ احمیدان، ۱۴۲۹: ۲۲۸)

اثر عملی این تقسیم‌بندی تعیین اولویت مقاصد و تقدم و تاخر بین آن‌ها است. یعنی در مقاصد ضروریه حفظ جان بر حفظ مال مقدم است و در تقسیم بندی کلی، مقاصد ضروری بر مقاصد احتیاجی و مقاصد احتیاجی بر مقاصد تحسینییه تقدم خواهند داشت. (بوسعادی، ۱۴۲۸: ۳۹)

۲-۴) تقسیم بر اساس گستره شمول: از نظر گستره، مقاصد به دو نوع مقاصد عام و خاص تقسیم می‌گردند. مقاصد عام در تمام احکام مدنظر شارع است و تلاش برای تحقق آن مختص موضوع یا حکمی خاص نیست. اغلب این مصالح عقلی بوده و حسن و قبح آن‌ها ذاتی است. مانند قبیح بودن ظلم یا حسن بودن عدل. (احمیدان، ۱۴۲۹: ۷۸) اما مقاصد خاص اهداف مورد نظر شارع در موضوعاتی خاص است. در واقع علاوه بر مصالح کلی و عام در هر حکم مقاصد خاص و منحصر به همان مورد وجود دارد که طبق رویه معمول فقها در ابتدای ابواب فقهی مورد اشاره قرار می‌گیرد. مثلاً در نکاح حفظ نسل مقصد شارع است در حالی که در معاملات حفظ مال مقصد و هدف غایی است. (الخدومی، ۱۴۲۴ (الف): ۱۲۰؛ بوسعادی، ۱۴۲۸: ۴۵)

۳-۴) تقسیم بر اساس اولویت: از نظر اولویت و استقلال، مقاصد به دو نوع مقاصد اصلی و تبعی تقسیم شده‌اند. مقاصد اصلی مقاصدی است که ضرورت و اهمیت آن‌ها ذاتی است به همین علت شرایط زمانی و مکانی موجب تغییر آن نخواهد شد در حالی که مقاصد تبعی مکمل مقاصد اصلی بوده و در واقع زمینه‌ساز تحقق آن محسوب می‌شوند. (شاطبی، ۱۴۲۷(ب): ۱۵۲) مثلاً در ازدواج حفظ نسل مقصد اصلی است اما موانست و حسن معاشرت زوجین مقصد تبعی آن است. (الخدومی، ۱۴۲۴(ب): ۱۲۳) و یا حرمت شرب خمر مبتنی بر مقصد اصلی حفظ عقل و حرمت شرب میزان کمی از آن ولو به حد

سکر آور نرسد مصلحت مکمل آن است. (بوسعادی، ۱۴۲۸: ۳۹) اولویتی که در مقاصد اصلی وجود دارد در مورد مقاصد مکمل آن‌ها نیز لازم‌الرعایه است. بر این اساس مقاصد به انواع زیر تقسیم می‌شود: ضروری، مکمل ضروری، احتیاجی، مکمل احتیاجی، تحسینی و مکمل تحسینی. در این تقسیم بندی هر مصلحت و مقصد نسبت به مصلحت بعد از خود مقدم و نسبت به مقصد قبل از خود در رتبه پایین‌تری قرار می‌گیرد.

۴-۴) تقسیم بر اساس اعتبار: از این منظر مقاصد شرعی به سه نوع مقاصد معتبر، غیر معتبر (ملغاة) و مرسله تقسیم می‌شوند. اگر با تحلیل احکام و آموزه‌های شرعی احراز شود مصلحتی خاص مورد تایید شارع است و یا شارع صراحتاً به اعتبار آن اشاره کند، مقصد مزبور از مصادیق شرعی و معتبر قلمداد می‌شود و اگر احراز شود مصلحت مزبور مورد تایید شارع نیست، به آن مصلحت غیر معتبر اطلاق می‌گردد. سوال قابل طرح اینکه اگر مصلحتی مورد تایید و قبول شارع قرار نمی‌گیرد پس چرا اصولاً عنوان مصلحت به آن اطلاق می‌گردد؟ در پاسخ باید گفت چنین اموری از نظر عموم مردم مصلحت یا منفعت قلمداد می‌شوند اما در نظر شارع فاقد نفع حقیقی محسوب می‌شوند.

به عنوان مثال ممکن است موضوع مورد نظر برای عده محدودی دارای منفعت و مصلحت بوده اما برای عموم افراد جامعه یا اکثریت آن‌ها زیان آور باشد یا اینکه مصلحت و نفع، کوتاه‌مدت ولی زیان و آسیب آن بلندمدت و پایدار باشد. مانند منفعت حاصل از تجارت خمر یا کشتن بیمار مایوس از درمان (اتانازی) (الخادمی، ۱۴۲۴(الف): ۱۰۶).

نوع سوم از مقاصد، مقاصدی است که شارع هیچ بیان سلبی یا ایجابی در تایید یا رد آن مطرح نکرده است که به آن مصالح مرسله گفته می‌شود. در واقع مصالح مرسله همان مصلحت‌های مسکوت است که موضعی درباره آن‌ها از سوی شارع بیان نشده است. فرآیند یافتن حکم در مورد این مصالح (استصلاح) از مهمترین جنبه‌های اجتهاد است (سبحانی، ۱۴۱۹: ۲۶۴) البته هم در میان اهل سنت و هم در امامیه در مورد امکان استفاده از مصالح مرسله اختلاف نظر فراوانی وجود دارد. در فقه امامیه طبق نظر مشهور مصالح مرسله پذیرفته نشده اند (المرتضی، ۱۴۰۵: ۱۰۰؛ صابری، ۱۳۸۴(ش)، ۸۳) به این استدلال که پذیرش مصالح مرسله به معنی پذیرش نقص در شرع است به علاوه به علت اختلاف انظار، نوعی آشفتگی در فرآیند استنباط حکم ایجاد خواهد کرد و نهایتاً تضمینی برای احراز مصالح حقیقی نیست. (جناتی شاهرودی، ۱۳۷۴: ۲۳۵) برخی از فقها بیان کرده‌اند در صورتی که همراه با مصلحت مرسله، مصلحت یا مفسده‌ای باشد که از نظر تاثیرگذاری قوت بیشتری از مصلحت مرسله داشته باشد (مصلحت راجحه)، اعتبار یا عدم اعتبار بر اساس همان مصلحت و مفسده تعیین می‌گردد در غیر این

صورت نمی‌توان مصلحت مرسله را مبنای عمل قرار داد چراکه اصولاً رفتار و عمل مکلف باید بر اساس قطع باشد و موضوعات ظنی، مانند حجیت مصلحت مرسله، قابل اتکا نیست. (محقق حلی، ۱۴۰۳: ۲۲۲)

(۵) طرق کشف مقاصد شرع

ابتدا باید دانست در مورد طرق کشف و پی بردن به مقاصد شریعت سه دیدگاه مطرح شده است: (۱) دیدگاه ظاهریه: بر اساس این دیدگاه تنها طریق آگاهی از مقاصد عمل کردن طبق ظواهر نصوص و ادله شرعی است چراکه اصولاً بشر توان فهم و درک مقاصد شارع را ندارد. بنابراین مکلفین تنها باید ظاهر نصوص را مبنای عمل خود قرار دهند و از این طریق در راه تحقق مقاصد شارع تلاش کنند.

(۲) دیدگاه باطنیه: در این دیدگاه نصوص دارای ظاهر و باطنی است که مقاصد حقیقی تنها در باطن آنها متجلی است. بنابراین نباید ظاهر نصوص و ادله شرعی را ملاک قرار داد. شاطبی معتقد است این دیدگاه به تعطیلی شریعت می‌انجامد زیرا عملاً به بهانه تحقق مقاصد شارع با مدلول نصوص صریح مخالفت می‌کند. (شاطبی، ۱۴۲۷(ب): ۳۳۲)

(۳) دیدگاه اعتدالیون: در این دیدگاه از افراط و تفریط نظرات قبل دوری شده است. بسیاری از فقها و اصولیین اهل سنت با پذیرش این نظر معتقدند می‌توان با استناد به نصوص و جمیع احکام صادره از جانب شارع به مقاصد او پی برد. بنابراین نه می‌توان گفت مقاصد شرعی مطلقاً قابل احراز و کشف نیست و نه می‌توان به بهانه رعایت مقاصد از نصوص و ظواهر به شکل مطلق چشم‌پوشی کرد. (بوسعادی، ۱۴۲۸: ۱۶۴)

بر این اساس پیروان نظریه مقاصد برای کشف مقاصد شارع طرق زیر را به کار می‌برند:

الف) استقرا: استقرا عبارت است از تتبع وسیع در نصوص شرعی و احکام و تبیین علل آنها در موضوعات مشابه به نحوی که بتوان بر اساس آن حکمت واحدی را در مورد احکام با موضوع مشابه استنباط نمود و بر مقصود شارع جزم پیدا کرد. پیروان نظریه مقاصد با استناد به آیات ۱۹ و ۲۰ سوره عنکبوت معتقدند استقرا در ادله احکام می‌تواند یکی از طرق کشف مقصود شارع باشد. به عنوان مثال با بررسی جمیع ادله شرعی پیرامون احکام عبد و امه احراز می‌شود که قصد شارع زمینه‌سازی برای حریت و آزادی بوده است و نه تثبیت برده‌داری. (الخدای، ۱۴۲۹(ب): ۵۹)

ب) امر و نهی ابتدایی تصریحی: طبق اصول پذیرفته شده در فقه، امر شارع مقتضی انجام فعل و نهی او مستلزم ترک فعل و عدم وقوع آن است. در نتیجه عدم تبعیت از امر و یا بی‌توجهی به نهی شارع مخالف مقصود او است. این امر بدون توجه به علت احکام و صرفاً بر پایه امر و نهی بیان‌شده از جانب

شارع نیز قابل تایید و احراز است. اما دو شرط در اثبات آن لازم است: (۱) ابتدایی بودن امر و نهی: امر و نهی مورد نظر باید دارای اصالت بوده و نقش تکمیلی و یا تمثیلی نداشته باشند. به عنوان مثال امر به نماز یا زکات یا نهی از ربا چنین ویژگی دارد اما نهی از بیع در زمان نماز جمعه (موضوع آیه ۹ سوره جمعه) چنین نیست زیرا موضوع این نهی مختص بیع نیست بلکه تأکیدی است بر لزوم برپایی نماز و ضرورت ترک رفتارهایی که به تعطیلی آن می‌انجامد ولو این رفتارها مصداق اعمال مباحی مانند بیع باشد. به دیگر سخن، منظور از نهی و امر ابتدایی صدور دستور از جانب شارع به گونه‌ای است که موضوع را علی‌الاطلاق در بر گیرد. (بوسعادی، ۱۴۲۸: ۱۷۷)

(۲) تصریحی بودن امر و نهی: دومین شرط برای استفاده از امر و نهی شارع در اثبات مقصود او، تصریحی بودن آن‌ها است. در برخی موارد می‌توان با استفاده از ضوابط اصول فقه احکام برخی موضوعات را به شکل ضمنی احراز کرد. مثلاً از نظر منطقی نهی از یک شی امر به ضد آن است کما اینکه امر به یک شی نهی از ضد آن است. در چنین دستوراتی که بر اساس تحلیل عقلایی و روابط منطقی احراز می‌شود نمی‌توان مقاصد شارع را احراز نمود. (الخادمی، ۱۴۲۷: ۱۳)

به نظر می‌رسد شرایط فوق در راستای افزایش اطمینان از مقصد شارع و پی بردن به مصالح شرعی است تا از این طریق میزان قطعیت حاصل افزایش یابد.

(ج) سکوت شارع: موضع شارع درباره موضوعات مختلف به سه شکل امر، نهی و سکوت قابل تقسیم است. در فرض سوم شارع از بیان حکم سلبی یا ایجابی درباره موضوعی خاص خودداری می‌کند. سکوت شارع به دو نوع قابل تقسیم است: (۱) سکوت به علت فقدان مقتضی: گاه موضوع مورد بررسی در زمان حیات نبی مصداق نداشته است و بعد از عصر ایشان رواج یافته به همین علت سکوت شارع به علت فقدان مقتضی است.

(۲) سکوت شارع علی‌رغم وجود مقتضی: در این نوع از سکوت با اینکه موضوع مورد نظر در زمان حیات نبی (ص) وجود داشته اما موضعی از جانب ایشان در این زمینه مطرح نشده است.

بی تردید سکوت نوع اول را نمی‌توان طریقی برای کشف و احراز مقصود شارع دانست. اما سکوت دوم از طرف پیروان مقاصد برای احراز مقاصد شارع مورد استفاده قرار می‌گیرد. بر این اساس بیان می‌شود از آنجا که در فقه معاملات اصل بر امضایی بودن احکام است می‌توان سکوت شارع را به معنی تایید موضوع مورد نظر دانست. در واقع چون رد صریحی از جانب شارع بیان نشده است، موضوع از نظر شرعی اثبات شده و معتبر قلمداد می‌شود. (الخادمی، ۱۴۲۷: ۱۶)

د) معرفت مقام: نصوص و ادله احکام در فضایی مجرد و انتزاعی صادر نشده‌اند. بنابراین می‌توان با در نظر گرفتن اوضاع و احوال و شرایط صدور روایات و یا اسباب نزول آیات که از آن با عنوان «مقامات الخطابات الشرعیة» یاد می‌کنند، به مقاصد شارع پی برد. به عنوان مثال در مورد آیات قرآن تعیین مقام موعظه، تریب، تبشیر یا مقام تشریح و تعلیم موثر در تعیین معنای حقیقی آیات و در نتیجه کشف مقصود شارع است. (بوسعادی، ۱۴۲۸: ۱۸۷)

۶) اشکالات مطرح شده در باره نظریه مقاصد

چنانکه در طول بحث اشاره شد نظریه مقاصد الشریعه هم در فقه اهل سنت و هم در فقه امامیه با مخالفت‌های متعددی مواجه شده است. در این گفتار تلاش می‌شود مهمترین اشکالات مطرح‌شده و پاسخ‌های احتمالی آن تبیین گردد.

۱-۶) عدم امکان اتکا به عقل در احراز مقاصد شارع: مهمترین ایراد مطرح‌شده در مورد نظریه مقاصد مبتنی بر ماهیت شرع و عدم امکان اتکا به عقل در احراز مقاصد آن است. طبق این اشکال تضمینی وجود ندارد که انسان بتواند با عقل خود مقاصد و غایات شرع را دریابد چراکه در این صورت اصولاً مبنای نیاز انسان به دین از بین می‌رود. زیرا اگر انسان بتواند در تمام موارد با اتکا به عقل خود حس استیجاب و قبح اعمال را تشخیص دهد، نیازی نخواهد داشت تا دین به عنوان منبعی فراعقلی او را ارشاد کند. در واقع عقل آدمی تمام نیازهای او را رفع می‌نماید بی‌آنکه امکان خطا و اشتباه در آن وجود داشته باشد. بنابراین تنها در مواردی می‌توان مقاصد را احراز کرد که صراحتاً از سوی شارع به آن‌ها اشاره شده باشد. (شیرازی، ۱۴۱۹: ۳۴۴؛ صرامی، ۱۳۸۲ (ش): ۲۴۹) و الا در استفاده از عقل مستقل، بیم ارتکاب اشتباه یا پیروی از هوای نفس می‌رود.

به نظر می‌رسد این اشکال و برخی دیگر از ایرادات مطرح‌شده در مورد نظریه مقاصد به علت عدم تفکیک بین فقه معاملات و فقه عبادات است. در موضوع مورد مطالعه این مقاله (یعنی فقه معاملات) این قاعده کلی پذیرفته شده است که اصل بر امضایی بودن احکام است. بنابراین موضع شارع در این باب تأیید رویه‌ای است که در عرف شکل گرفته و از آنجا که اصولاً عرف جز بر پایه اقتناع شکل نمی‌گیرد منطقاً نمی‌توان پذیرفت که مقصد و مصلحت مورد نظر در آن قابل احراز نیست. به علاوه باید انصاف داد که تقسیم بندی‌های ارائه‌شده از مقاصد در اغلب موارد قابل رد و انکار نیست. چراکه به عنوان مثال هر عقل سلیمی تأیید می‌کند که در مسائل نکاح مقصد حفظ نسل مورد نظر شارع است و نه حفظ مال آنگونه که در باب عقود مطرح است. کوتاه سخن اینکه پاسخ به این اشکال در گرو حل این نکته مبنایی است که در ابواب فقه معاملات وجود مصلحت خفیه نه در منابع دینی و فقهی اثبات

شده است و نه عقل آن را تایید می‌نماید. در نتیجه امکان تعلیل احکام و احراز مصالح شرعی در معاملات به عنوان اصل مسلم قابل خدشه نیست. (بوسعدی، ۱۴۲۸: ۱۵۰؛ شهید اول، ۱۴۰۰: ۳۴؛ شاطبی، ۱۴۲۷(ب): ۲۶۰)

۲-۶) تعطیلی احکام شرع یا بی‌ضابطه شدن فرآیند اجتهاد: از دیگر اشکالات مطرح‌شده از سوی مخالفین نظریه مقاصد، نگرانی و تردید از تعطیلی احکام شرع و نادیده گرفتن ضوابط آن به بهانه حفظ مصالح و مقاصد شارع است. این ایراد نیز با توجه به توضیحاتی که پیشتر بیان شد قابل رفع است؛ مقاصد شریعت نه به عنوان منابعی مستقل و منفک از احکام دین بلکه بر پایه تحلیل و ارزیابی ادله شرعی است. بنابراین هر محققى که در مقام اثبات وجود مقصدی خاص برای شرع و تطبیق حکمی بر آن است صرفاً باید از راه تحلیل نصوص و مبتنی بر اصول شرعی و فقهی اقدام کند. مطالعه راه‌های کشف مقاصد نیز نشان می‌دهد تمام این طرق مبتنی بر مطالعه و تحلیل احکام شرع است. به همین علت شاطبی بیان کرده است که هم تحلیل ادله و جزئیات بدون توجه به مقاصد خطا است و هم اثبات مقاصد بدون در نظر گرفتن ادله غیر معتبر است. (شاطبی، ۱۴۲۷(ج): ۳) بنابراین نمی‌توان گفت اجرای نظریه مقاصد به تعطیلی شرع و احکام آن می‌انجامد (حب الله، ۱۴۲۶: ۹۰؛ جمیل ابومونس، ۱۴۲۸: ۳۳؛ الخادمی، ۱۴۲۴(الف): ۳۴)

۳-۶) ملازمه نظریه مقاصد با ناقص بودن شرع: بیان شد که یکی از مبانی نظریه مقاصد متناهی بودن نصوص و نامتناهی بودن موضوعات است. مخالفین این نظریه معتقدند این دیدگاه اعتراف به نقص شرع است در حالی که چنین پنداری با مبانی مسلم کلامی مغایر است. در واقع با استفاده از کلیات بیان شده در شرع و سازوکارهایی مانند احکام ثانویه نمی‌توان ناقص بودن شرع را پذیرفت در نتیجه نیازی به استفاده از نظریه مقاصد نیست. (صرامی، ۱۳۸۲: ۲۴۹؛ جناتی شاهرودی، ۱۳۷۴: ۲۳۵) در پاسخ به این اشکال باید گفت اختلاف نظر فوق ناشی از اختلاف در منظر است؛ منظور پیروان نظریه مقاصد از متناهی یا محدود بودن نصوص، معین و محدود بودن تعداد آنها است یعنی با توجه به ختم نبوت و پایان ارتباط ظاهری با ائمه (از دیدگاه شیعیان) عملاً بر تعداد آیات قرآن و احادیث افزوده نخواهد شد. اما دیدگاه مخالفان بر اساس نامتناهی بودن محتوایی نصوص است. بر این اساس چنانکه مخالفان نیز اشاره کرده‌اند، ضوابط و راهکارهایی در شرع وجود دارد که بر مبنای آنها می‌توان نیازهای جدید را رفع کرد در نتیجه احکام شرعی محدودیتی ندارند. با تحلیل فوق معلوم می‌شود که هر دو دیدگاه در جای خود صحیح است اما نتیجه‌ای که مخالفین نظریه مقاصد استنباط کرده‌اند قابل اشکال است زیرا یکی از راهکارهای رفع نیاز موجود و از بین بردن محدودیت ظاهری نصوص، نظریه مقاصد است. به

تعبیر دیگر نظریه مقاصد شرعی در واقع یکی از مصادیق همان سازوکارهایی است که این گروه برای مخالفت با پیروان نظریه مقاصد به آن استناد کرده اند. در نتیجه با دقت نظر معلوم می‌شود این اشکال در واقع تایید اعتبار نظریه مقاصد و ضرورت استفاده از آن است و نه مخالفت با آن. با توجه به مطالب مطرح شده می‌توان گفت اشکالات مطروحه ناشی از سوء برداشت از نظریه مقاصد و در عین حال خلط بین فقه عبادات و معاملات است. به همین علت برخی از فقهای امامیه علی‌رغم نظر مشهور در استنباط احکام شرعی به لزوم استفاده از این نظریه اشاره کرده اند.^۱

۷) کاربرد نظریه مقاصد و جایگاه آن در فرآیند اجتهاد

۷-۱) کاربرد نظریه مقاصد در استنباط احکام جدید: با پذیرش مبانی ذکر شده درباره نظریه مقاصد مجتهد قادر است حکم مسائل و موضوعات مستحدث را با توجه به مقاصد شارع تعیین کند. قواعد مختلفی برای تحقق این هدف شکل گرفته است که از جمله می‌توان به قاعده لزوم توجه به نتایج و آثار افعال (مراعاة مآلات الافعال) اشاره کرد. طبق این قاعده در استنباط حکم موضوعات مختلف باید به نتایج آن نیز توجه نمود چراکه رفتاری که با یکی از مقاصد شارع مغایرت داشته باشد بی اعتبار است. (الخادمی، ۱۴۲۴(ب): ۵۹). شاطبی در توجیه این قاعده بیان می‌کند با توجه به اثبات هدف دار بودن دین و اِبتنای احکام شرعی بر مصالح و منافع بندگان، از نظر عقلی نمی‌توان رفتاری که مغایر با این مقاصد است را شرعی قلمداد کرد. به علاوه آیات مختلفی مانند آیه ۱۷۹ و ۱۸۸ بقره و ۱۰۸ انعام نیز مشروعیت این قاعده را تایید می‌کنند. (شاطبی، ۱۴۲۷(الف): ۴۵؛ بوسعادی، ۱۴۲۸: ۲۱۶). قاعده دیگر قاعده «الامور بمقاصدها» است که مفادی شبیه حدیث الاعمال بالنیات دارد. به موجب این قاعده نیز اعتبار افعال و شرعی بودن موضوعات منوط به انطباق آن‌ها با مقاصد شارع است. (الخادمی، ۱۴۲۴(ب): ۶۰)

^۱ - صاحب جواهر در موضوع آیه ۶۵ سوره بقره با استناد به حدیثی از علی بن الحسین (ع) بیان می‌کند حیلۀ ای که افراد موضوع این آیه برای مخالفت با حکم خدا در نگرفتن ماهی در روز شنبه کردند مخالف غرض شارع از این نهی بوده است. سپس ایشان بیان می‌کند: «و لعل من ذلك ما يعطاه بعض الناس في هذه الأزمنة من التخلص مما في ذمته من الخمس و الزكاة ببيع شيء ذي قيمة ردية بألف دينار مثلاً من فقير برضاه ليحتسب عليه ما في ذمته عن نفسه، و لو بأن يدفع له شيئاً فشيئاً، مما هو مناف للمعلوم من الشارع من كون المراد بمشروعية ذلك نظم العباد و سياسة الناس في العاجل و الأجل بكف حاجة الفقراء من مال الأغنياء، بل فيه نقض للغرض الذي شرع له الحقوق،» سپس در مقام بیان قاعده ای کلی بیان می‌دارند: «و كل شيء تضمن نقض غرض أصل مشروعية الحكم يحكم بطلانه، كما أوماً إلى ذلك غير واحد من الأساطين...» (نجفی، ۱۳۲۶ش: ۲۰۲) فقیه دیگری نیز در مورد حیلۀ های ربا به همین شیوه بیان می‌کند: «و معلوم أن كونه ظلماً و فساداً أو جوب حکم الله تعالى بالتحريم، فالتحريم معلول الظلم بدلالة ظاهر الآية الكريمة، و الظلم علته أو حکمته، كما أن الأخذ بإيدان بحرب الله تعالى و رسوله (ص) و في رواية محمد بن سنان: أن علي بن موسى الرضا (ع) كتب إليه و في صحیحة هشام بن الحكم...» (موسوی خمینی، ۱۳۸۶۳ش: ۵۴۲).

۷-۲) استفاده از نظریه مقاصد در جمع بین نصوص و رفع تعارض ادله: از کاربردهای نظریه مقاصد رفع تعارض بین نصوص است. بر این اساس مجتهد ابتدا باید احراز کند هر یک از ادله طرف تعارض مبتنی بر چه مقصدی است سپس بر اساس اولویت مقاصد که در بخش اول مورد اشاره قرار گرفت تعارض را رفع نماید. به عنوان مثال اگر دلیلی مبتنی بر مقصد حفظ جان باشد و دلیل دیگر بر اساس مصلحت حفظ مال، دلیل اول مقدم خواهد بود چراکه مقصد حفظ جان در مقام تعارض، مقدم بر مصلحت حفظ مال است. (الخادمی، ۱۴۲۷: ۱۲۸)

۷-۳) منع حیله: از مهمترین آثار نظریه مقاصد منع حیله است که به آن رخصت‌های فقهی نیز گفته می‌شود. (الهامی، ۱۳۷۸: ۱۸) یکی از مباحث چالش برانگیز فقهی بحث حیله‌های شرعی است که درباره مجاز یا غیر مجاز بودن آن مباحث زیادی مطرح شده است. آنچه مسلم است اینکه بسیاری از فقها طی مباحث مختلف حیل فقهی را نیز مطرح کرده‌اند که به شکل معمول در مبحث ربا و حق شفعه مطرح شده است اما محدود به این دو نیست. حتی برخی نیز اقدام به تدوین رساله‌هایی مستقل در زمینه آموزش حیله‌های فقهی نموده‌اند.^۱

حیله در فقه عبارت است از انجام عملی که ظاهری مجاز و معتبر دارد برای ابطال حکم شرعی و یا تبدیل آن به حکمی دیگر. (بوسعادی، ۱۴۲۸: ۲۱۹) بنابراین اگر فردی با استفاده از اسبابی مشروع موجب اسقاط حکم و جوب یا حرمت نسبت به خود شود از حیله استفاده کرده است. (شاطبی، ۱۴۲۷(ب): ۳۲۲) اگرچه در معنای عرفی و اولیه‌ی حیله، عنصر خدعه و فریب نهفته است اما در فقه حیله به دو نوع شرعی و غیر شرعی تقسیم شده است؛ اگر حیله استفاده از سببی باشد که از سوی خود شارع به عنوان ابزاری برای خروج از مضیقه معرفی شده است، حیله مشروع قلمداد می‌شود (مانند سفر در رمضان مستند به آیه ۱۸۵ بقره و یا استفاده از محلل بعد از سه طلاق در آیه ۲۳۰ همان سوره) اما اگر ابزاری که مورد استفاده قرار می‌گیرد حلال بوده اما غایت استفاده از آن وصول به حرام باشد به نحوی که قصد حقیقی فاعل انجام یا تحقق فعل حرام بوده و تنها شکل و قالب رفتار او به صورت مجاز باشد، مستند به آیه ۱۶۳ اعراف حیله‌ی انجام‌شده، حرام است. (سبحانی، ۱۴۱۹: ۲۸۵) بنابراین منظور از حیل نامشروع حیله‌هایی است که یکی از اصول و مبانی فقهی و شرعی را از بین ببرد. اما مواردی چون حیله برای دفع ظلم یا مقابله به مثل با ظالم یا خدعه در جنگ با کفار از مصادیق حیله‌های حلال قلمداد شده‌اند. در نوع اخیر قصد فاعل هدم شرع یا تعطیلی آن نیست به همین علت

^۱ - مانند رساله القرض بشرط المعاملة المحاباتیة حیل الربا تالیف وحید بهبهانی.

در اعتبار این نوع از حیل‌ها تردید وجود ندارد. (البرهانی، ۱۴۰۶: ۸۶؛ احمدیان، ۱۴۲۹: ۳۷۷) شاطبی معتقد است هر حیل مستلزم دو مقدمه است:

(۱) تغییر ظاهری یک حکم به حکم دیگر؛

(۲) استفاده از افعال و احکام شرعی به عنوان ابزار این تغییر. مثلاً فردی که برای فرار از زکات یا وجوهات شرعی مال خود را به همسرش هبه می‌کند موجب می‌شود حکم وجوب پرداخت زکات یا وجوهات در مورد او از بین برود. ابزاری که او برای این تغییر استفاده می‌کند نیز عقد هبه است که به عنوان یکی از عقود مشروع و قانونی شناخته شده است. پیروان نظریه مقاصد معتقدند حیل‌هایی از این دست و آنچه در مورد فرار از ربا در کتب فقهی مطرح شده است به دلایل زیر باطل است: (۱) برای اعتبار افعال از نظر شرعی باید شرایط شکلی و اهداف غایی، هر دو مد نظر قرار گیرند. اگر رفتاری به گونه‌ای انجام شود که با غایت و مقصد شارع متعارض و متنافی باشد بی اعتبار است ولو اینکه از نظر شکلی شرایط آن کامل باشد.

(۲) در آیات مختلفی از قرآن منافقین به علت یکی نبودن سخن و قصد حقیقی‌شان شتمت شده‌اند در حالی که در توصیف بهشتیان گفته شده است از دین و احکام شرعی به عنوان ابزاری جهت خدعه و فریب استفاده نمی‌کنند. (آیات ۸، ۲۲۹، ۲۶۴، ۲۳۱، بقره، ۳۸ و ۱۴۲ نساء، ۱۷ تا ۲۰ قلم) همچنانکه در احادیث متعددی نیز بر این معنا تأکید شده است. (شاطبی، ۱۴۲۷: (ب): ۳۲۴) بنابراین چگونه می‌توان پذیرفت رفتاری که صراحتاً با چنین آموزه‌ها و دستوراتی از جانب شارع مخالف است مورد تأیید شارع باشد؟

(۳) حیل‌های فقهی مصداق بارز سوء استفاده از حق است که موجب تقلب نسبت به شرع و فقه می‌شوند و امروزه در بطلان و بی اعتباری آن‌ها تردیدی نیست. (بوسعادی، ۱۴۲۸: ۲۲۰؛ عوده، ۱۴۲۹: ۴۸؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸: ۳۲۶)

در مقابل چنانکه بیان کردیم بسیاری از فقها بویژه در مذهب امامیه معتقد به جواز حیل‌های شرعی بوده و در ابواب مختلف به اعتبار آن اشاره کرده‌اند. این گروه مستند به تحلیل‌های مبتنی بر رویکرد درون فقهی و بر اساس آیاتی چون ۶۲ و ۶۳ سوره بقره معتقدند حیل‌هایی برای اسقاط حق شفعه یا فرار از ربا کاملاً مجاز است. (طوسی، ۱۴۰۷: ۴۹۰؛ گیلانی، ۱۴۱۳: (ج): ۴۶۳). جالب توجه اینکه یکی از فقهای بنام در کتاب خود در پاسخ به سوالی درباره چگونگی فرار از ربا معامله محاباتی به شرط قرض را معتبر و مجاز می‌داند (گیلانی، ۱۴۱۳: (الف): ۵) اما در مجلد دیگری در پاسخ به امکان گرفتن مزد در ازای تغسیل اموات به استناد استحباب آن بیان می‌دارد: «جرت گرفتن در ازای تغسیل

اموات حرام است... و حيله کردن در اين امور هرگاه از راه دينداري باشد باكي نيست (و جايز است) اما اگر مقصود خدعه باشد خدا فریب نمی خورد». شارح نیز به مولف اعتراض کرده است که چرا ایشان در برابر حيله‌های فرار از ربا چنین موضعی اتخاذ نکرده بلکه در مقام آموزش و توجیه آن‌ها بر آمده است. (گیلانی، ۱۴۱۳ (ب): ۴۸۹)

به عنوان اظهار نظر نهایی باید گفت در این مورد نیز اختلاف در مبانی موجب بروز تعدد آراء میان فقها شده است. با نگاه صرفاً درون فقهی، رفتارها تنها زمانی بی اعتبارند که مبتنی بر اصول و شرایط لازم در این علم نباشند. در عین حال بارها اشاره شد که مخالفین نظریه مقاصد لزوم مطابقت رفتار با مقاصد شارع را از لوازم اعتبار عمل نمی دانند. اما هم بر اساس نظریه مقاصد و هم مبتنی بر نگاه برون فقهی و پدیدار شناسی آن، حيله‌های فقهی مجاز قلمداد نمی شوند چراکه شرع منحصر به فقه نیست بلکه احکام و ادله فقهی جزئی از آن به شمار می آید که باید هماهنگ و همسو با سایر اجزاء، برای تحقق اهداف عالیه شارع به کار گرفته شود. به دیگر سخن، منطقی نیست که شارع مجموعه‌ای از علوم، مانند کلام، فقه و تفسیر را به عنوان علوم شرعی تجویز کند در حالی که هریک با دیگری متعارض بوده و اعمال هریک مبانی دیگری را از بین ببرد. (شاطبی، ۱۴۲۷ (ب): ۳۳۲). به علاوه باید انصاف داد در اغلب موارد حيله‌ها مبتنی بر سوء نیت است و از این منظر نیز قابل رد به نظر می رسند.

۴-۷) سد ذرائع: سد ذرائع هم از دیگر آثار پذیرش نظریه مقاصد است. ذرائع جمع ذریعه و به معنی وسیله و ابزار است. در اصطلاح فقهی ذرائع عبارت از اینکه مکلف حکمی شرعی را به عنوان وسیله‌ای برای حصول امری خلاف شرع استفاده کند (بوسعادی، ۱۴۲۸: ۲۱۸؛ البرهانی، ۱۴۰۶: ۶۹؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۸۲: ۳۵۶) چنانکه ملاحظه می شود ذرائع بسیار شبیه حيله است با این حال این دو مفهوم کاملاً یکسان با یکدیگر نیستند چراکه ذریعه اعم از حيله محسوب می شود چون قصد خدعه و فریب عنصر ذاتی آن نیست. در واقع حيله مبتنی بر قصد فریب و نیرنگ است در حالی که در ذریعه قصد فاعل موثر نیست و حتی بدون سوء نیت او هم محقق می گردد. (احمیدان، ۱۴۲۹: ۳۷۶). با این حال پیروان نظریه مقاصد این دو مفهوم را به یک شکل تفسیر می کنند؛ این گروه با استناد به قواعدی چون «الوسائل لها حکم المقاصد» و یا «الوسيلة اذا لم تفض الی المقصود سقط اعتبارها» معتقدند سد ذرائع مجاز است و افعال در صورتی که منجر به نتیجه‌ای مغایر با مقاصد شرعی شوند بی اعتبار خواهند بود. (الماحی، ۱۴۲۷: ۲۶۲)

در فقه امامیه سد ذرائع به عنوان مبحثی مستقل پذیرفته نشده و عقیده مشهور بر این است که برگشت مبناى آن به یکی از دو قاعده زیر است: (۱) وجود ملازمه بین حرمت شی و حرمت مقدمات آن: البته

این ملازمه در مورد ذرائع زمانی شکل می‌گیرد که جزء اخیر ذریعه متصل و ملحق به فعل محظور باشد و منفک از آن نگردد؛

۲) حرمت اعانت بر اثم: از آنجا که ذریعه در واقع مقدمه ساز تحقق رفتار خلاف شرع است نوعی اعانت بر اثم و رفتار خلاف قلمداد می‌شود.

مبتنی بر این دو قاعده و با لحاظ شرایط آن فقهای امامیه نیز حکم به عدم جواز رفتار انجام شده می‌دهند بی آنکه از آن به عنوان سد ذرائع یاد کنند. (سبحانی، ۱۴۱۹: ۲۷۳؛ جناتی شاهرودی، ۱۳۷۴: ۳۸۰)

نتیجه:

نظریه مقاصد شرعی مبتنی بر رویکرد کارکرد گرایانه فقه و بر اساس نگاه جامع به اجزا و علوم مختلف شرعی است. این نظریه با اتکا به هویت واحد داشتن شرع در مقام بیان این نکته بنیادین است که تفسیر هریک از اجزای دین (مانند فقه) به شکل انتزاعی و بدون توجه به کارکرد آن‌ها سبب بروز آفات متعددی است که در راس آن باید ظاهر گرایی افراطی را نام برد.

نادیده گرفتن این نظریه موجب می‌شود از اعمال و رفتارهایی با ظاهر مبتنی بر اصول و ضوابط، نتایج مورد انتظار شارع محقق نگردد و حتی ضوابط به ابزارهایی برای سوء استفاده و مخالفت با غایت شارع تبدیل شود. این نظریه متذکر می‌شود که آنچه موضوعیت دارد اجرای صرف ضوابط فقهی بدون توجه به نتایج و آثار عملی آن نیست بلکه تلاش برای تحقق مقاصدی است که شارع از فقه به عنوان یکی از ابزارهای تحقق آن بهره گرفته است. مقاصدی که نه بر اساس موهومات بلکه بر مبنای ادله شرعی و آیات و احادیث اثبات شده است.

این رویکرد هم در استنباط احکام و هم در رفع تعارض ادله راهگشا است و موجب اخلاقی‌تر شدن ضوابط فقه می‌شود. در عین حال نادیده گرفتن مبانی آن، تجویز استفاده از حیل‌های شرعی است؛ حیل‌هایی که راهکارهای بی اثر کردن ضوابط و اصول است. در این مقاله تلاش شد این نکته اثبات گردد که نظریه مقاصد مهمترین ابزار کارآمدتر کردن و تداوم استفاده از فقه به عنوان مهمترین میراث فکری مسلمانان است.

فهرست منابع و مآخذ

- ١) احميدان زياد محمد (١٤٢٩)، مقاصد الشريعة الاسلامية، مؤسسة الرسالة الناشرون، الطبعة الاولى، بيروت
- ٢) البرهاني محمد هشام (١٤٠٦)، سد ذرائع في الشريعة الاسلامية، دارالفكر، الطبعة الاولى، دمشق
- ٣) الخادمي نور الدين بن مختار (الف) (١٤٢٤)، المقاصد الشرعية تعريفها، امثلتها حجيتها، دار كنوز اشبيليا، الطبعة الاولى، رياض
- ٤) الخادمي نور الدين بن مختار (ب) (١٤٢٤)، المقاصد الشرعية و صلتها بالادلة الشرعية و المصطلحات الاصولية، دار كنوز اشبيليا، الطبعة الاولى، رياض
- ٥) الخادمي نور الدين بن مختار (١٤٢٧)، المقاصد الشرعية طرق اثباتها، حجيتها، وسائلها، دار كنوز اشبيليا، الطبعة الاولى، رياض
- ٦) القحطاني مسفر بن علي (١٤٢٩)، الوعي المقاصدي، قراءة معاصرة للعمل بمقاصد الشريعة في مناحي الحياة، الشبكة المعربية للابحاث و لنشر، الطبعة الاولى، بيروت
- ٧) الماحي قندوز محمد (١٤٢٧)، قواعد المصلحة و المفسدة عند شهاب الدين القرافي من خلال كتابه «الفروق»، دار ابن حزم، الطبعة الاولى، بيروت
- ٨) المرتضى علي بن حسين موسوي (١٤٠٥)، رسائل الشريف المرتضى، دارالقرآن الكريم، چاپ اول، قم
- ٩) الهامي داود (١٣٧٨)، اخلاق و رخصت هاي فقهي، درس هايي از مكتب اسلام، س ٣٩، ش ١٢، صص ١٧-٢٣
- ١٠) بوسعادي يمينه ساعد (١٤٢٨)، مقاصد الشريعة و اثرها في اجماع و الترجيح بين النصوص، دار ابن حزم، الطبعة الاولى، بيروت
- ١١) جعفري لنگرودي محمد جعفر (١٣٨٢)، فرهنگ عناصر شناسي، انتشارات گنج دانش، چاپ اول، تهران
- ١٢) جعفري لنگرودي محمد جعفر (١٣٨٨)، وسيط در ترمينولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، چاپ دوم، تهران
- ١٣) جميل ابو مونس رائد نصري (١٤٢٨)، منهج التعليل بالحكمة و اثره في التشريع الاسلامي، المعهد العاملي للفكر الاسلامي، الطبعة الاولى، بيروت

- ۱۴) جناتی شاهرودی محمد ابراهیم (۱۳۷۴) منابع اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی، انتشارات کیهان، چاپ اول، تهران
- ۱۵) حب الله علی (۱۴۲۶)، دراسات فی فلسفة اصول الفقه و الشريعة و نظرية المقاصد، دار الهادی، الطبعة الاولى، بیروت
- ۱۶) سبحانی جعفر (۱۴۱۹)، مصادر الفقه الاسلامی و منابعه، دارالاضواء، چاپ اول، بیروت
- ۱۷) شاطبی ابی اسحاق (الف) (۱۴۲۷)، الموافقات فی اصول الشريعة، مكتبة الاسرة، مجلد ۱، الطبعة الاولى، القاهرة
- ۱۸) شاطبی ابی اسحاق (ب) (۱۴۲۷)، الموافقات فی اصول الشريعة، مكتبة الاسرة، مجلد ۲، الطبعة الاولى، القاهرة
- ۱۹) شاطبی ابی اسحاق (ج) (۱۴۲۷)، الموافقات فی اصول الشريعة، مكتبة الاسرة، مجلد ۳، الطبعة الاولى، القاهرة
- ۲۰) شهید اول محمد بن مکی عاملی (۱۴۰۰)، القواعد و الفوائد، کتابفروشی مفید، چاپ اول، تهران
- ۲۱) شیرازی سید محمد حسینی (۱۴۱۹)، الفقه القانون، مرکز الرسول الاعظم للتحقیق و النشر، چاپ دوم، بیروت
- ۲۲) صابری حسین (۱۳۸۴)، فقه و مصالح عرفی، بوستان کتاب قم، چاپ اول
- ۲۳) صرامی سیف الله (۱۳۸۲)، منابع قانونگذاری در حکومت اسلامی، بوستان کتاب قم، چاپ اول
- ۲۴) طوسی ابو جعفر محمد بن حسن (۱۴۰۷)، الخلاف، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، قم
- ۲۵) طوسی ابو جعفر محمد بن حسن (۱۳۸۷ق)، المبسوط فی فقه الامامیه، المكتبة المرتضوية لاحیاء آلتار الجعفریة، چاپ سوم، قم
- ۲۶) علامه حلی حسن بن یوسف (۱۴۱۳)، مختلف الشیعة فی الاحکام الشریعة، دفتر انتشارات اسلامی، مجلد ۵، چاپ دوم، قم
- ۲۷) عودة جاسر (۱۴۲۹)، اناطة الاحکام الشرعیة بمقاصدها، المعهد العاملی للفکر الاسلامی، الطبعة الثالثة، بیروت
- ۲۸) غزالی ابی حامد محمد بن محمد (۱۳۲۲ق)، المستصفی من علم الاصول، دارالفکر، دمشق
- ۲۹) غزالی ابی حامد محمد بن محمد (۱۳۸۶ش)، احیاء علوم الدین، ترجمه موید الدین محمد خوارزمی، به کوشش حسین خدیو جم، شرکت انتشارات علمی فرهنگی، مجلد اول ربع عبادات، چاپ ششم، تهران

- ۳۰) فاضل مقداد جمال الدين مقداد بن عبدالله (۱۴۰۳)، نضد القواعد الفقهية على مذهب الامامية، كتابخانه آية الله مرعشي، چاپ اول، قم
- ۳۱) قاسمی محسن (۱۳۸۸)، شکل گرایي در حقوق مدني، نشر میزان، چاپ اول، تهران
- ۳۲) گیلانی میرزا ابوالقاسم (الف) (۱۴۱۳)، جامع الشتات فی اجوبة السوالات، موسسه کیهان مجلد ۲، چاپ اول، تهران
- ۳۳) گیلانی میرزا ابوالقاسم (ب) (۱۴۱۳)، جامع الشتات فی اجوبة السوالات، موسسه کیهان مجلد ۳، چاپ اول، تهران
- ۳۴) گیلانی میرزا ابوالقاسم (ج) (۱۴۱۳)، جامع الشتات فی اجوبة السوالات، موسسه کیهان مجلد ۴، چاپ اول، تهران
- ۳۵) مجلسی محمد باقر (مجلسی دوم) (۱۴۰۴)، مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، دارالکتب الاسلامیة، مجلد ۱۰، چاپ دوم، قم
- ۳۶) محقق حلی نجم الدین جعفر بن حسن (۱۴۰۳)، معارج الاصول، موسسه آل البيت، چاپ اول، قم
- ۳۷) موسوی خمینی روح الله (۱۳۸۳ش)، کتاب البیع، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، مجلد دوم، چاپ دوم
- ۳۸) نجفی محمد حسن (۱۳۲۶ش)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، دار احیاء التراث العربی، مجلد ۳۲، چاپ هفتم، بیروت

«To consider the aims of religion as a theory and its role in the Islamic Jurisprudence»

Mohammad Hosein Vakili Moghadam*

Assistant Professor, Hazrat-e-Masoumeh University

Abstract. Although it is generally accepted that Islamic jurisprudence is purposed to achieve certain aims, just a few Islamic lawyers accept that inferring of orders or interpreting of texts should be done based on the aims. The opponents of this approach deny the ability of mankind to discover the aims of religion. Therefore, in their opinion it should be act just based on the plain meaning of texts. In fact, they believe it is the sole way to achieve the aims of Islamic jurisprudence.

This article addresses the basics of "the aims of religion" as a theory. Then it considers the main sorts of aims, its practical effects and the reasons of opponents of this theory.

Keywords: The aims of religion, Purposive interpretation, contextual interpretation.